

کنکاشی نظری در الگوهای رفتاری اقشار بسیجی

نویسنده: دکتر نوروز هاشم زهی^۱

تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۷/۱۷

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۴۰ پاییز ۱۳۸۷

چکیده

هدف این مقاله تلاش برای تقویت مباحث نظری درباره الگوهای رفتاری اعضای بسیج از طریق کنکاش مفهومی و اسنادی است. توافق نظر درباره الگوهای رفتاری ثابت برای بخشی از افراد جامعه وجود ندارد. توقعات و انتظارات مردم و نظام اسلامی از بسیج و اهداف و وظایف آن، که از شرایط شکل گیری الگوهاست، بسیار گسترده و ناهمگن و در شرایط مختلف زمانی، اجتماعی و فرهنگی نیز متفاوت است. بسیج نیز اهداف و وظایف متنوعی از جمله حفظ انقلاب و دستاوردهای آن و تحکیم پایه‌های نظام اسلامی را برعهده دارد، بنابراین، تدارک الگوهای رفتاری بسیج؛ یعنی الگوهای رفتاری مردم ایران؛ چراکه گستردگی بسیج آن را به قشر، طبقه و صنف مشخصی محدود نمی‌کند، بسیج باید در همه میدانها و عرصه‌های نظام اسلامی شرکت و نقش داشته باشد و فضای سالم اجتماعی را ایجاد و از آن فضا و از هویت ملی و دینی دفاع کند. در این تحقیق با مراجعه به منابع و نظریه‌های صاحب نظران علوم اجتماعی، سیاسی، مذهبی و تربیتی، فهرست مهمی از ویژگی‌های الگوهای مطلوب بسیجیان برای کل جامعه پیشنهاد شده است. این الگوها با نگاه تحلیلی از دو حوزه کلی؛ یعنی نظام شخصیتی و نظام اجتماعی متأثرند. در پایان، شاخصهای الگوهای رفتاری متأثر از دو نظام، در چهار بعد اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و سیاسی طبقه بندی و پیشنهاد شده‌اند. منظور ما از بسیج در ایران، سازمانی اجتماعی است که وابسته به نهاد سیاست و حکومت در جامعه است. در این سازمان اجتماعی، مردم داوطلبانه امکانات و توانایی‌های خود را برای دستیابی به اهداف مشترک در اختیار حکومت قرار می‌دهند.

واژگان کلیدی:

الگوسازی، اسوه، بسیج، الگوی فرهنگی، الگوی اجتماعی، الگوی سیاسی، الگوی دفاعی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.

مقدمه

حفظ صلح و پیشبرد جنگ، نیازمند سازماندهی و بسیج منابع و نیروهای انسانی است که در پی آن سازمان اجتماعی نیروهای مسلح و دیوانسالاری نظامی شکل می‌گیرد. تشکیل بسیج که بخشی از سازمان دفاعی است، با اهداف و نیازهای جامعه از قبیل نظم، امنیت، استقلال و حفظ ارزشهای مذهبی ارتباط دارد.

تعاریف زیادی بر اساس هر یک از کارکردهای بسیج از آن به عمل آمده است. از درون دیدگاههای بنیانگذاران و مسئولان بسیج در ایران تعریف روشنی از آن نمی‌توان به دست آورد.

کتاب و منابع حقوقی و رسمی، بسیج را بیشتر به عنوان یک سازمان و نهاد اجتماعی با اهداف و وظایف مشخص تعریف کرده‌اند؛ سازمانی که به بخشی از نهاد اجتماعی نیروهای مسلح وابسته است.

برخی از اندیشمندان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، در تعریفی موسع از مفهوم بسیج، آن را حرکتی کلی و تلاشی عمومی و معادل یک جنبش با هدف ایجاد تغییرات اجتماعی یا جلوگیری از تغییرات در نظر گرفته‌اند و بسیاری دیگر آن را مجموعه‌ای از سازمان یافته و بخشی از نهاد ارتش می‌دانند.

اگر بسیج در ایران را معادل جنبش اجتماعی تعریف کنیم، ابهامات زیادی به وجود خواهد آمد؛ از جمله اینکه روشن نیست این جنبش انقلابی است یا اصلاحی؟ اعضای جنبش از چه درجه‌ای از سازمان یافتگی برخوردارند؟ در هیچ جنبشی همانند بسیج، اعضای آن کارت عضویت نمی‌گیرند و یک سازمان رسمی دولتی در یک کشور عهده دار جذب، آموزش، سازماندهی و به کارگیری سازمان یافته آنان نیست. برداشت «بسیج سیاسی» از این مفهوم نیز که اغلب تعارض انقلابیون در برابر یک حکومت و نظام سیاسی را تداعی می‌کند و در پی انقلاب، شورش و دگرگونی‌های اجتماعی رخ می‌دهد، پدیده‌ای متفاوت از مقوله بسیج در ایران است.

از نگاه رهبران جامعه، بسیج در ایران بسترهای متناسب با شرایط زمانی و مکانی را برای خدمت‌رسانی داوطلبانه و سودمند توسط انسانهای با انگیزه، کم هزینه و کم توقع فراهم می‌آورد که این تعریف بسیج با بسیاری از تعابیر بالا تفاوت دارد.

اجمالاً مفهوم بسیج همانند مفهوم انقلاب و جنگ است که هر چند برای پدیده‌های گسترده و متنوعی به کار می‌روند، اما از دیدگاه سیاسی و جامعه‌شناختی، معنای محدودتری دارند.

در این مقاله، بسیج بر اساس نظریه نظام اجتماعی تالکوت پارسونز از اجزای خرده نظام سیاسی تلقی می‌شود. خرده نظام سیاسی، مسئول دسترسی جامعه به اهداف است و بسیج در ایران گسترده تراز سازمانهای نظامی و شبه نظامی مرسوم، به نمایندگی از خرده نظام سیاسی در همه بخشهای جامعه وظایفی را برای هماهنگ کردن کل نظام در رسیدن به اهداف عهده‌دار است. این موقعیت بسیج آن را به عنوان نمونه‌ای از کل جامعه ایرانی مجسم می‌کند که هنگام مطالعه الگوهای رفتاری اعضای آن، ناگزیر از الگوهای رفتاری ایرانیان باید بحث کرد.

بیان مسئله

شرایط و موقعیتهای سیال، زندگی اجتماعی را در ابعاد گوناگون تغییر داده و الگوهای کنشی متفاوتی را تجویز می‌کنند. جوامع به سوی وابستگی فزاینده به یکدیگر پیش می‌روند. تصور و تعبیر جدیدی از زمان، فاصله و مکان به وجود آمده است. ممکن است با جهانی شدن فرهنگ، تمرکززدایی در عرصه ارزشها، باورها و سایر الگوهای هر جامعه ایجاد شود که در این صورت نمی‌توان برای همه مکانها و زمانها و همه مردم یک کشور، نسخه‌ای قابل کاربرد و نسبتاً پایدار نوشت. این تحول، متنوع شدن الگوها و در واقع؛ فقدان الگو را به همراه خواهد داشت. روند تحولات، بسیاری از الگوهای گذشته را ناکارآمد و مضمحل یا حداقل تضعیف می‌کند.

الگوهای سی سال پیش برای مردم سی سال آینده مفید و منطقی نخواهد بود، بلکه دگرگونی‌ها، جامعه آینده را متفاوت از جامعه گذشته می‌کند. بنابراین، الگوهای آنان نیز متفاوت خواهد بود.

روند تحولات نیز به گونه‌ای است که جامعه آینده چندان قابل پیش بینی نیست و فقط ویژگی‌های کلی از آن قابل برداشت است. بنابراین، برای الگوهای آینده، ویژگی‌های

کلی می‌توان ترسیم کرد. مادر بزرگها و پدر بزرگهای ما تصویری کردند ما به عنوان فرزندان آنها امروز از اینترنت، ماهواره، تلفن همراه و وسایل سریع السیر سفر برخوردار باشیم. ما نیز نمی‌توانیم تشخیص دهیم که در آینده، فرزندان ما در زمین زندگی خواهند کرد یا خارج از آن یا در درون سفینه‌های فضایی. در عین حال می‌توان از برخی الگوهای کلی ثابت بحث کرد؛ مانند پرورش قدرت تفکر، پرورش ذهنی نقادانه، پرورش جسمی سالم و دوری از پوچ‌گرایی و اتکال به خداوند در نظام آفرینش.

الگوها نه تنها تغییر پذیرند، بلکه اگر ثابت باقی بمانند به مانعی برای زندگی تبدیل می‌شوند. در کشورهای در حال توسعه چنانچه در بعد فرهنگی برای الگوهای گذشته فکری نشود و متناسب با تحولات فرهنگی الگوسازی مناسب صورت نگیرد، جامعه در برابر فرهنگ جهانی غالب آسیب پذیر می‌شود و هویت و موجودیت فرهنگی خود را از دست می‌دهد. جامعه مذهبی نیز از این امر مستثنا نیست و در صورتی ادامه حیات می‌دهد که الگوهای آن بر اساس شرایط زمان و مکان پویا باشد. اگر الگوها پویا نباشد، فرهنگ راه توسعه جامعه را مسدود می‌کند و حوادثی شبیه آنچه در دوره قرون وسطی در غرب اتفاق افتاد تکرار می‌شود.

جزمیت (ثبات اندیشه و بت‌انگاری در شناخت)، فقدان انگیزه موفقیت طلبی در مردم (اهمیت ندادن به زمان و وقت، انصراف از کار و فعالیت)، اسطوره‌گرایی (عدم توجه به شناخت علمی)، توجه به اصل و نسب (توجه به فضل اجداد و گذشته خود و بی‌توجهی به آینده و شایستگی‌های فردی)، احساساتی بودن (کمتر به شعور عمل کردن)، ذهن‌گرایی و شایعه‌سازی، خشونت (در تربیت فرزندان و در حل مشکلات)، محافظه‌کاری، سوء ظن در برابر ابتکار و غیرعلمی و خرافی بودن از ویژگی‌هایی هستند که در اثر ثبات الگوها به وجود می‌آیند.

در روند تحولات فرهنگی در ایران، الگوهای اعضای بسیج نیز دچار دگرگونی می‌شوند و ممکن است نیروی مقاومت بسیج از شاخصهای الگوهای رفتاری بسیجیان در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اطلاعات کاملی نداشته باشد. تنوع خصوصیات فردی و اجتماعی اعضای بسیج، پیچیدگی را افزایش می‌دهد و لزوم مطالعه الگوهای رفتاری

بسیجیان را از ابعاد مختلف مورد تأکید قرار می‌دهد. مسئله اساسی این است که ضعف الگوهای رفتاری، ضعف انسجام و وحدت را در پی دارد. بنابراین، جستجوی راههای رسیدن به اهداف مشترک و عمل هماهنگ در بسیج ضروری است. در این تحقیق تلاش شده است به پرسشهای ذیل پاسخ داده شود:

- مفهوم الگوی رفتاری چیست و به چه طبقاتی تقسیم می‌شود؟
- نظریه‌های تبیین‌کننده الگوهای رفتاری چیست؟
- شاخصها و ویژگی‌های الگوهای مطلوب بسیجیان چیست؟

گستره مفهومی

۱. انواع الگو در علوم اجتماعی

اصطلاحات لاتین model و Pattern هر دو در فارسی معادل الگو ترجمه شده‌اند. در علوم اجتماعی انواع مختلفی از الگو به شرح ذیل وجود دارد.

الف) الگو در حوزه نظری و روش شناختی علمی

۱. الگوهای مادی؛ شامل مکانیکی یا فیزیکی و ارگانیکی یا عضوی است. این الگوها نظامی پیچیده را به صورت ساده‌تر نشان داده و تجسم می‌کنند؛ مانند تشبیه طبقات سنی جمعیت به یک جسم و سلسله مراتب جامعه به هرم، عدالت به ترازو و پیچیدگی و هماهنگی جامعه به ساعت، که همگی مکانیکی هستند. همچنین تشبیه جامعه به بدن انسان و ادوار تاریخی جامعه به دوران مختلف زندگی جسمانی یک فرد که الگوهای ارگانیکی هستند. الگوهای جامعه‌شناختی (sociological patterns) در این طبقه قرار دارند که مجموعه‌های اجتماعی پیچیده را توسط مجموعه‌های ساده جایگزین کرده‌اند یا متغیرهایی را که موجبات مقایسه بین مجموعه‌ها را فراهم می‌سازند، ایجاد می‌کنند.
۲. الگوهای صوری یا منطقی؛ که مبتنی بر بازسازی واقعیت در ذهن و نوعی تجرید است و به کار تشبیه نمی‌آید و قابل مقایسه نیست.

۳. الگوهای ریاضی - منطقی؛ که نوعی الگوی صوری و کامل‌ترین شکل آن است؛ مثل مدل‌های اقتصادی که شامل مدل‌های تبیینی و آینده‌نگر در حوزه علم اقتصاد است. (توسلی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۸)

ب) الگوی اجتماعی

همچنان که افراد به کنش متقابل می‌پردازند، الگوهای اجتماعی در میان آنها به وجود می‌آید و بر کنشهای آنان تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد. این الگوها «دسته‌ای از افراد» را از دیگر افراد جامعه متمایز می‌کنند، کنش متقابل اجتماعی را منظم می‌کنند و کنشها را پیش‌بینی پذیر می‌سازند. فرهنگ، ساختار اجتماعی (تقسیم کار) و نهادهای اجتماعی به عنوان الگوهای مهم یاد شده‌اند (شارون، ۱۳۸۰، ص ۸۲). به نظر شارون، «فرهنگ» الگویی است که از الگوهای کوچک‌تر تشکیل شده است؛ مثل قواعد، باورها و ارزشها. برای اینکه همکاری وجود داشته باشد، باید قواعد وجود داشته باشد و افراد مایل باشند کنشهایشان را طبق این قواعد هدایت کنند. جوامع به وسیله آداب و رسوم، قوانین، اخلاق، شیوه‌های عمل رایج و همچنین انتظارات غیررسمی اداره می‌شوند. اینها شاخصهایی از الگوی اجتماعی هستند. توافق بر سر ارزشها نیز کنش متقابل مبتنی بر همکاری را افزایش می‌دهد. مادی‌گرایی، فردگرایی، تأکید بر زندگی خانوادگی و آخرت‌گرایی هم کنشهای افراد را شکل می‌دهند. باورها نیز باعث برقراری نظم و همکاری آسان‌تر میان افراد می‌شوند؛ از قبیل این باور که کار سخت به موفقیت مادی می‌انجامد یا اینکه تحصیلات دانشگاهی به یافتن شغل خوب منجر می‌شود. (همان، ص ۸۶)

مجموعه ادراکات حاصل از حس، عقل و دل که در یک جامعه به توافق رسیده باشد، فرهنگ را به وجود می‌آورند. سه مجموعه «فن آوری و مهارتها»، «علم و معرفت» و «نظام ارزشها و اخلاق جمعی»، ابعاد مختلف فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهند و گسسته از یکدیگر نیستند. نسبت میان فن آوری و مهارتها، علم و معرفت و نظام ارزشها و اخلاق جمعی به گونه‌ای است که اگر سه گره تو در تو را در نظر آوریم، نظام ارزشها و اخلاق جمعی، گره مرکزی؛ علم و معرفت، گره میانی و فن آوری و مهارتها، گره بیرونی را تشکیل می‌دهند. (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)

از نظر شارون، «ساختار اجتماعی» الگوی مهم دیگری است که جامعه را به وجود می‌آورد. همچنان که مردم در طول زمان به کنش متقابل می‌پردازند، آنها روابطی برقرار می‌کرده، موقعیت و مرتبه خود را در رابطه با یکدیگر تعیین می‌کنند و نقشها را در کنش متقابل فرا می‌گیرند و ایفای نقش می‌کنند. ساختار، به نظم و قاعده موجود در روابط میان کنشگران در کنش متقابل اشاره دارد؛ کنش افرادی که متناسب با موقعیت یکدیگر، در کنش متقابل رفتار می‌کنند (شارون، ۱۳۸۰، ص ۸۶). ساختار اجتماعی مجموعه‌ای از موقعیتها، نقشها و پایگاههاست که در کنش متقابل پدید می‌آید (همان، ص ۸۷). ساختار اجتماعی که صورتی از تقسیم کار است، مردم را در جامعه پخش و جایگاه آنها را تعیین می‌کند، به هر یک می‌آموزد که چگونه با دیگران رفتار کنند، وابستگی متقابل به وجود می‌آورد و همکاری را تسهیل می‌کند.

«نهادهای اجتماعی» برای حل مسائل جامعه به وجود می‌آیند. مردم از طریق این نهادها، اجتماعی می‌شوند؛ جامعه یکپارچه می‌شود؛ افراد پاداش دریافت می‌کنند و مجازات می‌شوند؛ کالاها تولید و توزیع می‌شوند و هدفها به وجود می‌آیند و برای دستیابی به آنها کوشش می‌شود. جوئل شارون و دیگران تعریف دقیقی از الگو ارائه نکرده، بلکه این مفهوم را در سطح اسمی توصیف کرده‌اند. محققان بیشتر به کارکردهای الگو اشاره دارند تا تعریف آن. تعاریف مختلف نشان می‌دهد که بحث از الگوهای یک لایه اجتماعی با بحث از خرده فرهنگ آن لایه، ارتباط تنگاتنگی دارد. بنابراین، در معنای وسیع به آن بخش از فرهنگ، ساختار و نهادهای اجتماعی که در یک جامعه ذهنیت مشترک ایجاد کرده و رفتار افراد را شکل می‌دهند و راهنمای عمل در کنش اجتماعی هستند، الگو گفته می‌شود. در واقع؛ طرحهای مختلف برای کنش یا شقوق مختلف کنش، الگوها را تشکیل می‌دهند. الگوها بر اساس نوع جامعه، طبقه اجتماعی، دین و مذهب، گروههای سنی و جنسیتی، مقاطع تاریخی و عرصه‌های زندگی اجتماعی و همچنین کیفیت آنها، به انواع مختلف طبقه بندی می‌شوند.

در تقسیم بندی دیگری، الگوهای اعضای بسیج را می‌توان به انواع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی طبقه بندی کرد. این طبقه بندی نسبی است و در هر

حوزه به برخی از شاخصهای اندازه گیری اشاره دارد؛ اما تلاش شده است تا نمونه‌ای از الگوهای رفتاری یک فرد بسیجی را در برگیرد.

۲. الگو در رویکرد اسلامی

«الگو» در ادبیات اسلامی، سبک و سیره تلقی می‌شود و از کسانی به عنوان «اسوه» یاد شده است که مردم در ایمان و عمل از آنان سرمشق می‌گیرند. حادثه‌هایی که در قرآن کریم ذکر شده‌اند، برای معرفی الگو به مردم است. در میان حوادث تاریخ مذهب شیعه، «عاشورا و شهدای کربلا» از ویژگی خاصی برخوردار است. «اهل بیت پیامبر(ص)» نیز برای مسلمانان سرمشق قرار می‌گیرند. امام حسین (ع) حرکتش را در مبارزه با طاغوت عصر خود برای مردم سرمشق می‌داند و می‌فرماید: «فلکم فی اسوه» (موسوعه کلمات الامام حسین، ۱۳۶۲، ص ۳۶۱). امام حسین (ع) اشاره می‌کند که وی در خروج از مدینه، از خروج خائفانه حضرت موسی (ع) از شهرش و گریز از سلطه طاغوتی فرعون و ظلم او الگو گرفته است. امام حسین (ع) قبل از حرکت از مدینه نیز اشاره می‌فرماید که به سیره جد و پدرش عمل می‌کند (مجلسی، بی تا، ج ۴۴، ص ۳۲۹). شهیدان نهضت امام حسین (ع)، شهدای بدر را در اقدام خود الگو گرفته‌اند (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۷۶). در تاریخ اسلام نیز بسیاری از قیامهای ضد ستم و نهضت‌های آزادی بخش با الهام از حرکت عاشورا شکل گرفت. مهاتما گاندی در مبارزات استقلال طلبانه هند، سبک عمل امام حسین را الگو قرارداد. محمد علی جناح رهبر پاکستان نیز تعبیری مشابه تعبیر گاندی دارد (محدثی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۹). یکی از نهضت‌هایی که از عاشورا الگو گرفت، انقلاب اسلامی و به دنبال آن شیوه رزمندگان ایران در جنگ با عراق بود که اعضای بسیج مثال بارزی از این رزمندگان هستند.

پیشینه موضوع

بررسی‌ها نشان می‌دهد تحقیق مستقل و مشابهی درباره الگوهای رفتاری اعضای بسیج در ایران انجام نشده است، اما به طور غیرمستقیم برخی پژوهشها با موضوع ارتباط دارد که نتایج آنها به تدارک الگوهای رفتاری بسیجیان کمک می‌کند.

۱. الگوسازی در دوران جنگ

در مقاله عبدالامیر نبوی، چهار گروه نویسندگان، فرهنگ شناسان، مورخان علاقه‌مند به نظام سیاسی یا ایدئولوژیکی حاکم و رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های دولتی، به عنوان نهادهای الگوساز معرفی شده‌اند. بنا به نوشته نبوی، تاریخ نویسان باید به کاوش در گذشته بپردازند؛ میان دیروز و امروز پلی بزنند؛ همانندی رویدادهای امروزی را با حوادث گذشته نشان دهند و از همه مهم‌تر، برخی از شخصیتها را زنده کنند. اغلب در این بازسازی و تغییرها، آرایش و پیرایش نیز با توجه به الزامات زمانی و مکانی انجام می‌شود؛ برخی از نکات، مورد تأکید قرار می‌گیرند و برخی از عناصر حذف می‌شوند. نتیجه عمل این نویسندگان، بر هم خوردن فاصله گذشته و حال، نشان دادن نوعی تداوم و پایان نیافتن مبارزه است. در این مقاله درباره حوزه‌های الگوسازی و ارائه سرمشقه‌های علمی برای مردم، گفته شده است که دو نوع فعالیت در دو حوزه همزمان و مرتبط لازم است:

۱. بازگشت به گذشته و احیای بخشی از اسطوره‌ها، افسانه‌ها و خاطره‌ها که به معنای بازآفرینی آنها با نگاهی به مسائل و مشکلات کنونی است؛

۲. بازگشت به خویشتن یا بازگشت به مخزن یا هویت دینی، ملی و... جامعه.

در مقاله نبوی، نامگذاری مکانهای جنگی به نام ائمه (ع) و شخصیت‌های دینی و مذهبی و... نوعی بازسازی الگوهای ایرانی و بازگشت به گذشته تلقی شده است. از نظر او، اشکالی که در این فعالیت وجود دارد این است که ممکن است رسانه‌ها یا ایدئولوژی حاکم یا رهبران، یک یا چند اسطوره گذشته را نپسندند، که در این صورت بازگشت به گذشته موفقیت آمیز نخواهد بود؛ یا ممکن است اسطوره سازی و پرورش اسطوره‌های جدید، در مسیر اسطوره‌های سنتی نباشند و مورد پذیرش عمومی قرار نگیرد. (نبوی، ۱۳۸۲، ص ۳۷-۳۵)

۲. تحلیل بسیج مردمی از دیدگاه امام خمینی (ره)

در اندیشه امام خمینی (ره)، بسیج پیش از آنکه یک نهاد و تشکیلات باشد، روش مدیریت نهضت، انقلاب و جامعه بود؛ چیزی که در ادبیات سیاسی از آن به قیام توده، نهضت ملی، حرکت مردمی، اعتراض عمومی و امثال آن تعبیر می‌شود. این روش، نقطه

مقابل روشهای انقلابی دیگر نظیر حرکت‌های چریکی، قیام مسلحانه، کودتا و امثال آن است. از نظر امام خمینی (ره)، تحوّل سیاسی از طریق به کارگیری نیروهای توده‌ای، روشی موفق و تجربه شده بود که در نهضت‌های انبیا(ع) پاسخ لازم را داده بود. ایشان در یک سخنرانی چنین بیان کرده‌اند: «موسی(ع) که یک شبان بود، مردم را با یک عصا بر ضد فرعون که در زمان او بزرگ‌ترین قدرت بود، بسیج کرد (امام خمینی، ۱۳۵۸، ج ۴، ص ۵۰). در جای دیگر فرمودند: «به حسب تاریخ، قیام‌های انبیا (ع) همیشه این طور بوده که یکی از بین خود اینها انتخاب می‌شد که تبلیغ کند و مردم مستضعف را در برابر مستکبرین تجهیز کند (امام خمینی، ۵۸/۴/۳۰). از نگاه امام خمینی (ره)؛ بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکیل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا کرده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند. بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل، طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. امام خمینی(ره) می‌فرماید: من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیان محشورم گرداند؛ چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود یک بسیجی‌ام (نقل از: اکبری، ۱۳۷۷، ص ۲۷). بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند... من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می‌بوسم و می‌دانم که اگر مسئولان نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت... حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار، خلوص، فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام ارائه دهیم چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهد بود. ایشان اعلام کردند که: اگر بر کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شود، چشم دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد شد و آلا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. امام خمینی(ره)، ملت ایران را در عصر خود بهتر از ملت حجاز در عصر رسول الله (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین(ع) و حسین بن علی(ع) خوانده است؛ چرا که یاری مردم ایران در پیروزی انقلاب، بیش از یاری مردم آن زمان به امام(ع) و رهبر(ص) بوده است.

امام خمینی (ره) از رفتار مردم ایران با رهبر و گوش به فرمان بودن آنان، نگریختن و نهراسیدن از جنگ و استقبال از جبهه، حماسه آفرینی‌های ملت و صبر بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ به‌عنوان شواهدی بر بهتر بودن آنان از مردم اعصار دیگر یاد کرده‌اند. امام خمینی (ره) در پایان، از زندگی در بین چنین ملتی افتخار می‌کند. (سازمان عقیدتی سیاسی...، ۱۳۸۳، ص ۴۴۹)

از نظر امام خمینی (ره) بسیجی ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از: در خط اسلام ناب بودن، روحیه استکبار ستیزی، ایثار، گذشت، انقلابی‌گری، مخالفت با بی‌تفاوتی، مخالفت با بی‌عدالتی، مطیع اوامر ولی فقیه، اتکال به قدرت خدا، فداکاری برای عزت میهن، توجه به معنویات، دوری از اختلاف و تفرقه، روحیه کوخ نشینی (۶۲/۱/۱)، مقاومت در فداکاری (۵۹/۷/۵)، فعالیت برای پیشبرد اسلام (۶۰/۴/۱۱)، نترسیدن از هیچ قدرتی (مرندی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷)، آمادگی کامل برای فداکاری در راه اسلام (۶۶/۵/۶)، برخورداری از امدادهای غیبی (۶۱/۱۱/۲۲)، دفاع از حیثیت ملت (۵۹/۱۱/۱)، نیرومندی در علم و عمل (۵۸/۱۲/۱)، تلاش برای ایجاد حکومت بزرگ اسلامی (۶۷/۱/۲)، شهادت طلبی، ایمان و عشق به ذات مقدس حق (۶۷/۹/۲)، خدمت برای خدا (۶۴/۱۱/۲۹)، پیروی از معصومین (ع) (۶۳/۶/۱۸)، حفظ کننده قدرت ایمان (۵۸/۶/۲۱)، لبیک گو به دعوت اسلام (۵۸/۲/۲۰) و داشتن اخلاص (۶۱/۱/۲۸) و بیمه کننده انقلاب.

وظایف بسیج از دیدگاه امام خمینی (ره) نیز عبارتند از: هدایت مردم و امکانات در جهت اجرای احکام اسلام، تشکیل حکومت اسلامی، حمایت از اهداف اسلامی و جمهوری اسلامی، جلوگیری از تجاوز به کشور و جامعه. امام خمینی (ره) می‌فرماید: اگر مردم نبودند، نمی‌توانستیم این جنگ را اداره کنیم. (مرندی، ۱۳۸۲، ص ج - د)

اسلام مهم‌ترین سر منشأ تشکیل بسیج از نظر امام (ره) است که همه قشرها را به هم پیوند می‌دهد و بسیج عمومی درست می‌کند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۵۸، ج ۸، ص ۲۹۲). مردم، دیگر منشأ تشکیل بسیج می‌باشند که حضور مردان در جنگ و صحنه نبرد و حضور زنان در پشت جبهه، مبین این عامل است. ایمان به خدا نیز سر منشأ تشکیل بسیج و از نظر امام خمینی (ره)، وجود مساجد زمینه‌های تشکیل بسیج را فراهم می‌کند.

از تحلیل محتوایی آثار امام خمینی (ره)، در ۲۱ جلد از صحیفه نور و کتابهای کشف الاسرار و ولایت فقیه، نتایجی به شرح ذیل قابل ذکر است.

در مورد اهداف بسیج در آثار امام خمینی (ره)؛ اهداف امنیتی: ۴/۲۵ درصد، توسعه اسلام: ۷/۸۲ درصد، اهداف دفاعی: ۴۲/۶۱ درصد، اهداف تربیتی و اخلاقی: ۴۵/۲۲ درصد بوده است؛ یعنی در آثار امام خمینی (ره) درباره بسیج، هدف تربیت و اخلاق اهمیت بیشتری دارد. در هدف تربیتی، شاخصهای پیاده کردن احکام اسلامی، تزکیه و تعلیم، روحیه دفاع و استقامت، سلب آرامش دشمن، مبارزه فکری و اعتقادی، تبیین چارچوب اسلام ناب و مردمی بودن نظام قرار دارد که روحیه دفاع، استقامت، تزکیه، تعلیم و سلب آرامش دشمن به ترتیب از بیشترین فراوانی برخوردارند.

در مورد اهداف دفاعی؛ شاخص پشتیبانی از نیروهای مسلح: ۶/۱۲ درصد، دفاع از مسلمانان: ۱۰/۲۰ درصد، دفاع از کشور: ۱۶/۳۲ درصد، دفاع از جمهوری اسلامی: ۲۲/۴۵ درصد و دفاع از اسلام: ۴۴/۹۰ درصد به دست آمده است.

در مورد اصول بسیج؛ کسب مهارت و انتقال تجربیات و ضرورت آموزش همگانی: ۷/۹۷ درصد، مردمی بودن بسیج: ۷/۰۸ درصد، سازماندهی: ۸/۸۵ درصد، همه جانبه بودن: ۱۰/۶۲ درصد، عمومیت (تعمیم بسیجی بودن به همه اقشار): ۱۲/۲۹ درصد، شاخص تهیاء و آمادگی: ۲۳/۸۹ درصد و سایر شاخصها مثل همیشگی بودن، قانونمند بودن، برخورداری از جهات مادی روز و عضویت داوطلبانه، درصدهای کمتری داشته‌اند.

در مورد بسیج همه جانبه؛ شاخص مقام و منزلت بسیجیان: ۳/۷۵ درصد، اوصاف بسیجی: ۵/۶۵ درصد، ضرورت بسیج همه جانبه: ۲۸/۳۵ درصد، نظام دفاعی همه جانبه جهان اسلام: ۳۴/۶۴ درصد و نظام دفاعی همه جانبه جمهوری اسلامی: ۳۷ درصد به دست آمده است. در درون عناصر دفاع همه جانبه؛ وحدت و انسجام مردم، وحدت حوزه و دانشگاه و تشکیل ارتش بیست میلیونی بسیار اساسی تلقی می‌شود.

در اندیشه امام (ره) در مورد فرهنگ و تفکر بسیجی، شاخص تفکر بسیجی در میان ویژگی‌های فرهنگی با ۹۰/۶۳ درصد اهمیت بیشتری دارد. در درون تفکر بسیجی؛ شاخصهای نیایش و تضرع: ۱/۳۸ درصد، مهیای دفاع: ۲/۰۷ درصد، شجاعت و شهامت:

۲/۷۶ درصد، نرسیدن از غیر خدا: ۶/۲۱ درصد، ایمان به خدا: ۴/۸۳ درصد، اخلاص: ۶/۲۱ درصد، مخالف ظلم و استکبار: ۸/۲۷ درصد، مبارزه و جهاد فی سبیل الله: ۸/۹۶ درصد، وحدت و انسجام: ۱۷/۲۴ درصد، شهادت طلبی: ۳۱/۷۲ درصد و مخالف پول پرستی، توکل به خدا، ادای تکلیف، عدالت خواهی و حق طلبی، تقوا، پرهیز و ستیز، جهاد با نفس، بصیرت و آگاهی، مخالف تحجّر گرایی و مقدّس مآبی، انتظار فرج و خادم محرومان بودن، درصدهای کمتری به دست آورده‌اند.

در مورد دستاوردهای بسیج؛ شاخصهای نقش بسیج در دوران دفاع مقدس: ۱۴/۵۵ درصد، نقش بسیج در دوران سازندگی: ۳۸/۱۸ درصد و نقش بسیج در پشتیبانی عمومی از انقلاب: ۴۷/۲۷ درصد از کل را به دست آورده‌اند.

در مورد نقش سازمانها و مسئولان در قبال بسیج، ۳۸/۵۴ درصد به نقش مسئولان نظام و ۶۱/۴۶ درصد به نقش مراکز فرهنگی و علمی تأکید شده است. (فرهادی، ۱۳۷۹ الف)

۳. تحلیل بسیج مردمی از دیدگاه مقام معظم رهبری

از دیدگاه مقام معظم رهبری، بسیج یک حرکت منطقی و عمیق و منطبق بر نیازهای امروز دنیای اسلام و جامعه اسلامی است. ایشان با اشاره به آیه: «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» (انفال، آیه ۶۲)، بر این مطلب تأکید دارد که منظور از خیل عظیم مؤمنین که مورد اشاره آیه قرآن قرار گرفته است، عبارت دیگری است از آنچه امروز به نام بسیج در جامعه ما وجود دارد (سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۴۸). «شط خروشان و پر برکت» تعبیر دیگری است که ایشان از بسیج دارد. از نگاه مقام معظم رهبری بسیج نیروی کارآمد برای همه میدانهای نظامی و غیرنظامی است. بسیج مجموعه‌ای است که در آن پاک‌ترین انسانها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور در راه اهداف عالی این ملت و برای کمال رساندن و به خوشبختی رساندن این کشور جمع شده‌اند.

اهداف بسیج از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: وارد شدن به چالشهای حیاتی و اساسی جامعه، از جمله جنگ، وارد شدن برای حفظ هویت ملی و سیاسی جامعه، حل عقب ماندگی‌های علمی، کمک به تأمین رفاه و از بین بردن فقر و مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و فکری. از نظر ایشان، بسیجی یعنی انسان با همتی که غیرت

دینی و دانایی فکری دارد، نیازشناس است و ابتکار، جوشش ذهن و خلاقیت دارد و وارد میدان می‌شود. تجدد و نوگرایی حقیقی و بازکردن میدانهای تازه زندگی، مطلوب اسلام است و اسلام این را از انسان خواسته است. این به برکت تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش علمی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه میدانها به دست می‌آید. (ر.ک. به: خامنه‌ای، ۱۳۸۴)

کارکرد بسیج: بسیج نیروی جوان و پیشرو برای استقلال کشور و تمسک به اسلام و وحدت کلمه است (سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴). به فرموده مقام معظم رهبری: امنیت سیاسی نیز یک نوع از امنیت است که بسیجی با عشق و ایمان می‌تواند آن را ایجاد کند. امنیت نظامی نیز از وظایف بسیج است (همان، ص ۲۶۸). بسیجی حافظ ارزشهای اسلامی است؛ در مقابل خداوند، خاشع و در دل، مشتاق صلح است؛ از رذایل اخلاقی دوری می‌کند و روح او با معارف الهی ارضا می‌گردد. بسیجی کسی است که احساس مسئولیت در برابر جبران عقب‌ماندگی دارد و به اهداف کشور فکر می‌کند و احساس علاقه برای رسیدن به اهداف جامعه دارد (همان، ص ۷۱). بسیج در ساخت آینده و در حفظ سرمایه‌های معنوی جامعه از جمله دستاوردهای جنگ و انقلاب، مسئولیت دارد. انکار بسیج، انکار بزرگ‌ترین ضرورت و مصلحت برای کشور است؛ چرا که بسیج در همه صحنه‌ها سازنده بوده و اگر نمی‌بود، انقلاب اسلامی با مشکل مواجه می‌گشت (۷۸/۶/۱۰). ایمان و محبت، سرمایه معنوی ارزشمندی است که بسیجیان باید حفظ کنند (۷۷/۷/۲۶). بسیج در ایجاد فضای سالم و حفظ آن و منزوی کردن زشتی، آلودگی، غفلت، نفاق، ریا و شرک، مسئولیت دارد. جوانان دنبال حقیقت هستند و بسیج باید آنان را جذب کند.

ویژگی‌های بسیج عبارتند از: اخلاص عمل که به معنای دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی در حرکت به سوی آرمانهای اصیل است؛ اعتماد به خدا که حتمی دانستن تحقق هدف به کمک خداوند است؛ موقع‌شناسی که شناخت شرایط و موقعیت و عمل بر اساس آن است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ص ۱). ارتباط با خدا برجسته‌ترین خصوصیت یک بسیجی است (۱۳۷۶/۹/۵). از نظر مقام معظم رهبری، در عالم مطلوب، بسیجی خود باید الگوی رفتاری دیگران باشد. بسیج باید به گونه‌ای رفتار کند که احترام و محبت مردم

جلب شود. بسیجی باید نمونه اخلاق، تواضع، مهربانی و رعایت مقررات باشد. آن کسی بسیجی تر است که مقررات را بیشتر رعایت کند؛ به خاطر آنکه این فرد بیشتر از همه برای نظام دل می سوزاند و مقررات، لوازم قطعی اداره درست نظام است. پیوند و ارتباط با امام زمان (عج) یکی از ویژگی های بسیج است (۱۳۷۸/۹/۳۰). بسیجی بلند همت است، خواسته های او بزرگ و در حد اعتلای کشوری باشد، خواسته های او نجات همه آحاد بشر و دفع فساد، فقر، تبعیض، بی عدالتی و سلطه دشمن است (۱۳۷۴/۹/۸). بسیج پشتمانه انقلاب است و این پشتمانه بودن را در تمام عرصه ها نشان داده است (سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۱۹). بسیجی تلاش دینی را بدون توقع انجام می دهد.

نتایج تحلیل محتوایی جایگاه بسیج در آثار حضرت آیت الله خامنه ای تا سال: ۱۳۷۰ (فرهادی، ۱۳۷۹ ب) نشان می دهد که: در مقوله تعریف بسیج و اهمیت آن، بسیج در صدر اسلام: ۱۲/۳ درصد، بسیج در انقلاب اسلامی: ۱۵ درصد، تعریف بسیج: ۲۱/۹ درصد و اهمیت بسیج: ۵۰/۸ درصد مورد تأکید قرار داشته است.

در مقوله اهداف بسیج؛ شاخص سازندگی و کمک به عمران و آبادانی کشور: ۱/۷ درصد، اهداف امنیتی بسیج: ۱/۹ درصد، توسعه بسیج در جهان اسلام: ۳/۹ درصد، اهداف دفاعی: ۳۷ درصد و اهداف فرهنگی و تربیتی: ۵۵/۵ درصد به دست آمده است. وضع اهداف دفاعی بسیج در اندیشه مقام معظم رهبری؛ کسب آمادگی دفاعی و ذخیره سازی: ۰/۹ درصد، سلب آرامش دشمن: ۲/۵ درصد، پشتیبانی از نیروهای مسلح: ۵/۹ درصد، دفاع از مسلمانان: ۱۲/۸ درصد، دفاع از کشور: ۱۴/۳ درصد، دفاع از اسلام و ارزشها: ۲۹ درصد و دفاع از جمهوری اسلامی: ۳۴/۶ درصد به دست آمده است.

در وضع اهداف تربیتی بسیج؛ شاخصهای تربیت نیروی انسانی و خواص طرفدار حق: ۱/۲ درصد، تقویت وحدت و انسجام مردمی: ۳/۴ درصد، تقویت روحیه کار و تلاش: ۳/۸ درصد، تبیین چارچوب اسلام ناب: ۱/۶ درصد، پیاده کردن احکام اسلام: ۴/۸ درصد، زنده نگهداشتن خاطره ایثارگران و دفاع مقدس: ۵/۸ درصد، تزکیه و تعلیم: ۷/۳ درصد، حضور در صحنه سیاسی - اجتماعی: ۸/۹ درصد، توسعه و تعمیق بصیرت و آگاهی مردم: ۱۲/۷ درصد، مردمی بودن نظام: ۱۴/۵ درصد، مبارزه فکری و اعتقادی: ۱۶/۲ درصد و تقویت روحیه دفاع و استقامت: ۲۰/۲ درصد تأکید شده اند.

در مورد اهداف امنیتی در نگاه مقام معظم رهبری، ۲۹/۴ درصد به هر یک از شاخصهای شبکه اطلاعات مردمی و برخورد بسیج با اشرار و ضد انقلاب و ۴۱/۲ درصد به مردمی کردن امنیت تأکید شده است.

در خصوص جایگاه اصول بسیج در اندیشه رهبری نیز به شاخصهای برخورداری از جهات مادی، مشارکت و سادگی، هر کدام کمتر از یک درصد، کسب مهارت و انتقال تجربیات: ۱ درصد، قانونمند بودن، تحرک و پویایی هر کدام ۲/۱ درصد، همه جانبه بودن: ۲/۵ درصد، همیشگی بودن: ۳/۷ درصد، ارتباط قلبی با ولایت و رهبری: ۴/۵ درصد، ضرورت آموزش همگانی: ۴/۷ درصد، عمومیت داشتن: ۸ درصد، سازماندهی: ۱۲/۲ درصد، مردمی بودن: ۱۲/۶ درصد، جوان گرایی: ۱۷/۹ درصد و تهیاء و آمادگی: ۲۶/۱ درصد تأکید شده اند.

در مقوله بسیج همه جانبه؛ شاخص ضرورت بسیج همه جانبه: ۱ درصد، نظام دفاعی همه جانبه جهان اسلام: ۴۸/۷ درصد و نظام دفاعی همه جانبه جمهوری اسلامی: ۵۰/۳ درصد تأکید شده است.

در مورد شاخصهای جزئی تر بسیج همه جانبه جمهوری اسلامی؛ وحدت حوزه و دانشگاه: ۱/۳ درصد، ارتش بیست میلیونی: ۲/۹ درصد، رهبری و ولایت اسلامی: ۴/۷ درصد، بسیج عمومی: ۶/۵ درصد، اسلام: ۱۴/۹ درصد، وحدت و انسجام مردم: ۲۹/۱ درصد و بصیرت و آگاهی: ۴۰/۶ درصد مورد تأکید قرار دارد.

شاخصهای بسیج همه جانبه جهان اسلام در آثار مقام معظم رهبری این گونه به دست آمده است: تکیه دولتهای کشورهای اسلامی به ملتهای خود: ۰/۹ درصد، بسیج امکانات و ذخایر جهان اسلام: ۱/۸ درصد، بسیج جهانی اسلام: ۵/۴ درصد، ایام الله: ۱۲/۷ درصد، صدور انقلاب و رهبری جهانی اسلام: ۱۵ درصد، اتحاد مسلمین: ۱۷/۸ درصد، اسلام: ۱۸/۹ و آگاهی مسلمین: ۲۷/۵ درصد.

فرهنگ و تفکر بسیجی، مقوله‌ها و شاخصهای زیادی در اندیشه رهبری دارد که اوصاف بسیجی: ۳/۷ درصد، مقام و منزلت بسیجیان: ۹/۶ درصد و تفکر بسیجی: ۸۶/۷ درصد در آثار مورد بررسی تکرار شده است. جایگاه شاخصهای جزئی تفکر بسیجی در این آثار عبارت است از: نیایش و تضرع، مخالف تحجر گرایی و مقدس مآبی، عدالت

خواهی و حق طلبی، محبت به اهل بیت، داشتن توکی و تبری، قاطعیت و صلابت، محبت و مدارا کردن با مردم، امر به معروف و نهی از منکر و توبه، هر کدام کمتر از ۱/۷ درصد، از غیر خدا نترسیدن و انس و الفت با قرآن مجید هر کدام ۱/۸ درصد، مخالف پول پرستی: ۲/۳ درصد، توکل بر خدا: ۲/۴ درصد، جهاد با نفس: ۲/۶ درصد، شجاعت و شهامت: ۲/۹ درصد، احیای جهاد فی سبیل الله و تقوای پرهیز و ستیز هر کدام ۳/۴ درصد، خادم محرومان و خدمتگزاری: ۳/۷ درصد، وحدت طلبی و انسجام خواهی: ۴ درصد، شهادت طلبی: ۴/۴ درصد، ادای تکلیف: ۴/۹ درصد، صبر و استقامت: ۵/۷ درصد، اخلاص: ۶/۴ درصد، مخالف ظلم و استکبار: ۶/۲ درصد، اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه: ۷/۲ درصد، ایمان: ۱۲/۳ درصد و بصیرت و آگاهی: ۱۳/۲ درصد.

دستاوردهای بسیج از نگاه رهبری نیز نقش داشتن در برقراری امنیت داخلی: ۱۵/۹ درصد، پشتیبانی عمومی از انقلاب: ۲۱/۲ درصد، ایفای نقش در دوران سازندگی: ۲۵ درصد و نقش محوری در دفاع مقدس: ۳۷/۹ درصد می باشد.

آفاتی نیز بسیج را تهدید می کند که از نگاه رهبری؛ محدود شدن به افراد طیف خاص: ۱/۲ درصد، تضعیف نقش بسیجیان در مسائل سیاسی، اجتماعی و نظامی: ۲/۶ درصد، قانونمند نبودن و روشنفکری بیمار: هر کدام ۳/۷ درصد، بروز نفاق و فساد در بسیج و بی انضباطی و خونسردی: هر کدام ۶/۲ درصد، فاصله گرفتن از روحانیت: ۷/۵ درصد، وابستگی جناحی و گروهی: ۸/۸ درصد، اختلاف و چند دستگی: ۱۲/۵ درصد، کم رنگ شدن ارزشها و بی صبوری: هر کدام ۱۳/۸ درصد و روحیه یأس و ناامیدی: ۱۸/۸ درصد را به خود اختصاص داده اند.

از نگاه رهبری، مراکز فرهنگی و علمی، مسئولان و شخصیتها و سپاه و نیروی مقاومت به ترتیب به نسبت ۹/۵، ۳۶/۵ و ۵۴ درصد در برابر بسیج نقش و مسئولیت دارند.

۴. بررسی گرایش مردم به پایگاههای بسیج مساجد

این تحقیق به سنجش گرایش مردم شهر تهران نسبت به پایگاههای بسیج مساجد و گرایش مردم به بسیج شدن پرداخته و به دنبال پیدا کردن علل و عوامل تمایل و عدم تمایل مردم به این مقولات بوده است. (پرجمی، ۱۳۸۲)

۵. بررسی و طراحی الگوهای شادی، نشاط و هیجان در بسیج

در این گزارش، محقق در پی دستیابی به الگو یا الگوهایی برای شادی و نشاط و معرفی عوامل شادی آفرین در میان بسیجیان و مدل شخصیت شاد و با نشاط در میان آنان بوده است. (یعقوبی، ۱۳۸۴)

۶. بررسی نیازهای فرهنگی بسیج و اولویت بندی آنها

این طرح به منظور پاسخگویی به این سؤال که «مهم‌ترین نیازها و اولویتهای فرهنگی بسیجیان و فرماندهان پایگاههای مقاومت بسیج چیست؟» در قالب الگوی سنجش نیازهای فرهنگی علامه جعفری و در چهار حیطه نیازهای ارتباط با خداوند، دیگران، خود و محیط و جهان هستی شکل گرفته است. (باصری، ۱۳۸۶)

۷. بررسی توقّعات و انتظارات مردم و بسیجیان از بسیج

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که با روش پیمایشی "survey" به اجرا درآمده و برای جمع آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. نمونه آماری آن را دو گروه مردم و بسیجیان در سراسر کشور تشکیل می‌دادند که حجم نمونه گروه مردم (غیر بسیجیان) ۵۰۰۰ نفر و گروه بسیجیان ۲۵۰۰ نفر بوده است. (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)

مبانی تشکیل بسیج

بسیج در ایران را با رویکرد اسلامی و مذهبی بهتر می‌توان معرفی کرد. خداوند متعال در آیه ۶۲ سوره انفال خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین»؛ یعنی پروردگارت کسی است که تو را به واسطه نصر خویش و به وسیله اهل ایمان یاری می‌کند. قرآن کریم بسیاری از صفات و ویژگی‌های اهل ایمان و یقین را بر می‌شمرد. سراسر نهج البلاغه مملو از صفات و ویژگی‌های مفید و مثبت مسلمانان است. بر اساس خطبه‌های امام علی (ع)، انگیزه دفاعی کسی کامل است که همه اسباب و لوازم امر به معروف و نهی از منکر را دارا باشد؛ کسی که با دست و زبان و دل به خداوند ایمان داشته باشد. از نگاه امیر مؤمنان (ع) چنین انسانی تمامی خصال خیر را دارد و اگر فاقد

هر یک از آنها باشد، به همان میزان هویت او ناقص و انگیزه دفاعی او در آن جنبه ضعیف می‌شود (لاریجانی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷-۱۸۶). امیرمؤمنان علی (ع) درباره جایگاه والای نیروهای مسلح در نظام اسلامی می‌فرماید: نیروهای مسلح به فرمان خداوند دژهای استوار ملت، آرایه زمامداران، شکوه دین و راههای تحقق امنیت‌اند، قوام و ایستادگی ملت، تنها به وسیله آنان ممکن است (نهج البلاغه، ص ۵۳۳). برای انسانهای متعالی و افراد مؤمن از نهج البلاغه صفاتی به شرح ذیل استخراج می‌شود که اعضای بسیج را می‌توان مصداق آنها قرار داد.

الف) قناعت: اگر انسان انقلابی و متعهد، پول و ثروت را مایه خوشبختی و سعادت دانست، از زاویه دیگری به مسائل و جهان و جامعه نگاه می‌کند و تمامی محاسبات و نگرشهای ارزشی او تغییر می‌کند. به همین منظور، مولای متقیان علی (ع) قناعت را هم وسیله‌ای برای حفظ شأن و روحیات نیروهای انقلابی می‌داند و هم اینکه موجب می‌شود کارهای دنیایی در نگاه او تبدیل به ابزاری شود که آن را در جهت ارتقای معنویت و تثبیت ارزشها در جامعه به کار گیرد. لذا، هرچه در زمینه اقتصادی رشد کند، انفاق در راه خدا را افزون می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: حداقل آنچه که می‌توان با آن در دنیا زندگی کرد بس است (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۵). بنابراین، بی‌نیازی بزرگ‌ترین سرمایه است. بسیجیان بر اساس این دیدگاه، خود را با ثروتمندان مقایسه نمی‌کنند.

پ) عدالت اجتماعی: از نگاه امام علی (ع)؛ عدل، چیزها را به جای خود می‌نهد و بخشش، آنها را از جای خود بیرون می‌نماید؛ عدل، نگاه‌دارنده همگان است و جود، فقط به کسی بهره می‌دهد که به او بخشش شده؛ پس عدل شریف‌تر و برتر است. از دید مولای متقیان؛ کسانی که به طمع مقام، مال و منفعت دنیایی به صحنه می‌آیند، هیچ‌گاه به عنوان سرمایه حرکت و تحوّل شمرده نمی‌شوند؛ زیرا آنان زمانی که منافع خود را در خطر می‌بینند، میدان را خالی کرده، دست از حمایت آن حرکت و تحوّل می‌کشند.

ج) شجاعت: شجاعت شاخص و نمود خارجی فرهنگ است. فرد شجاع دارای هویت دفاعی است و در راه حفظ ارزشها جرئت برخورد با عوامل دشمن را دارد. مولای متقیان علی (ع)، قوام و یکپارچگی جامعه را داشتن انگیزه دفاع و روح شجاعت و

مردانگی دانسته و تفرقه، ضعف و از هم پاشیدگی بنیان جامعه را مولود نظری می‌داند که با روی آوردن به رفاه و راحتی، از جنگ می‌گریزد؛ زیرا روحیه رفاه طلبی با دفاع قابل جمع نیست. (لاریجانی، ۱۳۷۸)

کارکردهای بسیج

بسیج در عرصه‌های مختلف جامعه دارای نقش است: اجرای طرح‌های عمرانی و شرکت در برنامه سازندگی کشور پس از جنگ، یکی از حوزه‌های فعالیت بسیج است.

امر به معروف و نهی از منکر؛ همان طور که یک فرد موظف است خود را اصلاح کند، در اسلام وظیفه دارد دیگران را هم اصلاح کند؛ زیرا در این صورت، جامعه اصلاح می‌شود. مقابله با تهاجم فرهنگی نیز در این مقوله قرار دارد.

نقش بسیج در جنگ؛ طبق امار رسمی، ۷۵٪ از نیروهای رزمنده در جنگ تحمیلی را نیروهای بسیجی تشکیل می‌دادند. ترساندن دشمنان و تقویت بنیه دفاعی کشور از کارکردهای بسیج است.

حفظ دستاوردهای انقلاب و جنگ؛ حفظ ارزشهای انقلاب، دفاع مقدس و تلاش برای انتقال این ارزشها به نسلهای بعد، از کارکردهای دیگر بسیج است. راههای زیادی برای حفظ ارزشها در جامعه پس از جنگ و انقلاب وجود دارد؛ از جمله: برنامه‌ریزی، مشارکت همگانی، تبدیل ارزشها به داستان، فیلم، شعر و... مشارکت بسیج نیز یکی از راههای حفظ ارزشها و شاید مطمئن‌ترین راه باشد.

حفظ روحیه انقلابی و استقلال طلبی؛ با مشارکت بسیج که انسانهای آن انقلابی و مستقل هستند، این روحیه در جامعه ایجاد می‌شود. بالا بردن روحیه مشارکت مردم در برنامه‌های اجرایی و حوادث غیرقابل پیش بینی و پشتیبانی از معنویت و اخلاق در جامعه، از دیگر کارکردهای بسیج است. (سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶-۱۵۵)

ایجاد امنیت داخلی؛ بسیج برای حفظ انقلاب از گزند مخالفان و اشرار و حفظ امنیت در داخل جامعه مسئولیت دارد.

نظریه‌های تبیین کننده

با توجه به تعاریفی که از الگو و انواع آن ارائه شد، از نگاه جامعه‌شناختی الگوهای رفتاری، با رویکردهای مختلف توضیح داده می‌شوند، اما نظریه‌های توافق‌گرا توانایی بیشتری در تبیین الگوهای رفتاری اعضای جامعه دارند.

۱. کارکرد گرایی

از دیدگاه کارکردگرایی، حضور الگوهای موجود به خاطر فواید و اثرات آنها تفسیر می‌شود. این الگوها همبستگی اجتماعی ایجاد کرده، به زندگی معنی می‌دهند و از طریق هماهنگی ارزشها، کنترل اجتماعی را به وجود می‌آورند. بعلاوه، صیانت روانی افراد را نیز در بردارند. از دید کارکردگرایان اگر بخواهیم الگوهای رفتاری یک جامعه را شناخته و توضیح دهیم که چرا افراد جامعه بر اساس آنها رفتار می‌کنند، باید آن جامعه را به طور کلی مطالعه کنیم؛ یعنی رابطه این الگوها را با سایر نهادهای جامعه روشن کنیم. نهادهای مختلف جامعه با یکدیگر هماهنگی دارند و جامعه از این نظر به عنوان یک کل به هم پیوسته، مرکب از ساختهایی است که با یکدیگر پیوند نزدیک دارند (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۷۵۹). اگر این پیوند به هم بخورد، بقای جامعه با خطر روبه رو می‌شود؛ چرا که جامعه به برخی ساختارها برای بقای خود نیاز دارد. نظام فرهنگی مبتنی بر الگوهای ارزشی مشترک، از نظر کارکردگرایی به منزله دیواری دفاعی است که نمی‌گذارد کشمکشهای داخلی جامعه ادامه یابد. کارکردگرایان ساختاری نه تنها معتقدند که نظام فرهنگی مشترکی باید در جامعه وجود داشته باشد، بلکه از نیاز به یک نظام مشترک ارزشی در سطح فردی نیز سخن می‌گویند. مردم جامعه باید جهان را اساساً به یک شیوه بنگرند (ریترز، ۱۳۷۴، ص ۱۲۹). این امر اجازه می‌دهد که با درجه بالایی از صحت، پیش‌بینی شود که دیگران چگونه فکر و عمل خواهند کرد. «تالکوت پارسونز» از چهار تکلیف کارکردی مهم برای همه نظامهای کنش بحث کرده است که هر نظامی برای زنده ماندن باید آنها را انجام دهد:

۱. تطبیق؛ ۲. دستیابی به هدف؛ ۳. یکپارچگی؛ ۴. سکون یا نگهداشت.

از نظر وی در کارکرد چهارم، هر نظامی باید انگیزشهای افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزشها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند. این کارکرد از

طریق خرده نظام فرهنگی انجام می‌شود. فرهنگ از نظر او، به صورت هنجارها و ارزشها تجسم می‌یابد. (نقل از: همان، ص ۱۳۱)

در این رویکرد؛ جامعه، ارزشها، هنجارها، نقشها و فرهنگ مشترکی را که در بردارنده الگوهای رفتاری است از طریق جامعه پذیری به فرد منتقل می‌کند. پارسونز در نظریه خود، متغیرهای الگویی را ساخته که مفاهیم مناسبی برای تعیین شاخصهای هریک از الگوهای اعضای بسیج است. متغیرهای الگویی شیوه‌هایی هستند که در راه عمل پیشروی فرد وجود دارند و او با توجه به متغیرهایی چند (نظیر خواست، اعتقادات و...) یکی از آنها را برمی‌گزیند. در واقع؛ این متغیرها دو راهی‌هایی هستند که یک فرد به هنگام عمل باید در آن دست به انتخاب بزند. هم راههای عمل و هم توجیه عمل پس از انجام معنی می‌دهند.

از روی این متغیرها، عمل اجتماعی فرد را می‌توان پیش‌بینی کرد. پارسونز و شیلز در پی آن بودند تا دوراهی‌های جهانی را در برابر فرد به هنگام عمل پیدا کنند. در آغاز، فرد قبل از آنکه به کاری دست بزند، پاداشها و حرمانهای ناشی از عمل را به یاد می‌آورد که به آن راهیابی انگیزشی گفته می‌شود. سپس شخص قبل از اتخاذ تصمیم نهایی در باب عمل، انتظاراتی را به حساب می‌آورد که از تجربه‌های گذشته و به هنگام تصمیم در برابر دو راهی‌هایی که احتمالاً قبلاً در مقابل آن به خوبی عمل کرده بود کسب کرده است که به آن راهیابی ارزشی می‌گویند.

راهیابی انگیزشی، ممکن است به شیوه شناختی، نیازنگری یا ارزیابی باشد. راهیابی ارزشی نیز به شیوه‌های شناختی، ارزشیابانه و اخلاقی قابل تقسیم است. بدین‌سان، پنج متغیر الگویی قابل تمیزند.

الف) التهاب - آرامش؛ با توجه به اینکه آیا عمل کننده، مشتاقانه و بی‌صبرانه درصدد ارضای آنی نیاز وخواست خویش است یا آنکه آرام و قرار دارد و حاضر است با در نظر گرفتن عواقب کار، ارضای خواست خود را به تأخیر اندازد.

ب) خودنگری - جمع‌نگری؛ با توجه به اینکه عمل کننده به هنگام انجام عمل، صرفاً منافع خویش را در نظر دارد یا آنکه به منافع جمع یا جامعه نظر دارد.

ج) عام - خاص؛ با توجه به اینکه عمل کننده به هنگام انجام عمل و قبل از اتخاذ تصمیم نهایی، به ماهیت عمل و نتایج مترتب بر آن از دیدگاهی عام (با معیارهای عمومی) می‌نگرد یا آنکه به هنگام انجام عمل، معیارهایی خاص و صرفاً شرایط موجود را مطمح نظر قرار می‌دهد.

د) ماهیت متناسب - نتیجه عمل؛ منظور آن است فرد عمل کننده قبل از انجام عمل و به هنگام اخذ تصمیم، آیا به ماهیت و چگونگی امری که در برابر آن قرار دارد، می‌اندیشد یا صرفاً به نتیجه و حاصل کار فکر می‌کند.

ه) محدودیت و تعین - وسعت و عدم تعین؛ با توجه به اینکه آیا میدان مناسبات فرد و پدیده‌ای که در برابر آن قرار گرفته (موضوع عمل) گسترده و نامشخصند (مثل دو دوست و خویشاوند) یا آنکه مشخص و محدودند (مثل دو شریک). (ساروخانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۷-۳۵).

۲. نظریه گادامر

بر اساس هرمنوتیک گادامر؛ معنای هر عمل، چیزی نیست که در خود عمل باشد، بلکه به عکس، معنا همیشه برای کسی [دیگران] است؛ به نحوی که معنا همیشه نسبت به یک مفسر می‌باشد (نقل از: فی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰). از نظریه گادامر نتیجه می‌شود که فهم معنای اعمال قصدی و حاصل آنها، از طریق بازآزمودن یا بازیافت قصد و نیت عاملان در گذشته یا از طریق جستجوی قصدیت در خود عمل میسر نمی‌شود. اعمال معنادار فقط زمانی معنادار می‌شوند که مفسری خاص آنها را در بستر تفسیری خاص جای دهد و بدین ترتیب به معنای اعمال، فعلیت ببخشد.

همراه با تغییر افق تفسیری مفسران مختلف، ابعاد معنایی تازه‌ای خود را نشان خواهند داد. این بدان معناست که معنای اعمال و نتایج آنها نه تنها در طول زمان تغییر می‌کنند، بلکه هرگز شکلی قطعی و محقق به خود نمی‌گیرند. معنای هر عمل نیت مند یا نتیجه و حاصل آن برای افراد مختلف، متفاوت خواهد بود (همان، ص ۲۵۲). تعامل میان چیزی معنادار و جماعتی تفسیرکننده، واقعه‌ای نیست که فقط یک بار رخ دهد و تمام شود. تفسیرهای تازه کمک خواهند کرد که ماهیت اجتماع و جماعت تفسیر کننده از نو شکل

بگیرد. لذا، اجتماع یا جماعت تفسیر کننده‌ای که از نو شکل گرفته است، بی تردید دست به تفسیر دوباره معنای آن فرهنگ خواهد زد. نتیجه کار، فرایندی دائمی و تکاملی از تبادل و تأثیرگذاری متقابل خواهد بود که طی آن، هم معنای چیزی که تفسیر می‌شود تغییر خواهد کرد و هم ماهیت اجتماع یا جماعت تفسیر کننده. بر اساس این رویکرد، نمی‌توان انتظار داشت که الگوهای فرهنگی و رفتاری از ثبات و تداوم برخوردار باشند، بلکه برعکس، متغیر و سیال بودن الگوها در کانون توجه دیدگاه گادامر قرار می‌گیرد.

۳. پدیدارشناسی آلفرد شوتس

از نگاه رابرت گورمن، شوتس در نظریه پدیدارشناسانه خود از جهان حیاتی و الگوهای فرهنگی، بر فشارهایی تأکید دارد که جامعه بر کنشگر تحمیل می‌کند. کنشگران، مسیرهای کنش خود را آزادانه انتخاب نمی‌کنند و برداشت آزادانه نیز در مورد واقعیت اجتماعی ندارند. به اعتقاد شوتس، هر کنشگری کنش خود را بر مجموعه دانشی بنا می‌کند که در دسترس دارد و دانش او از همین الگوهای کنش اجتماعی تعیین شده تشکیل می‌شود. هر یک از ما کنشی را برای خود بر می‌گزینیم که این الگوها تجویز می‌کنند (نقل از: ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۳۳۲). از نگاه شوتس، کنشگران با فعالیت آگاهانه شان جهان اجتماعی را می‌سازند، اما ساختهای ناشی از این فعالیت، به نوبه خود، فعالیت خلاقانه بعدی را محدود می‌سازند (همان، ص ۳۳۳). بنابراین، یک رابطه دیالکتیک بین جهان اجتماعی و فعالیت آگاهانه کنشگران وجود دارد. شوتس بر جنبه‌ای از جهان اجتماعی تأکید دارد که در آن، انسانها معمولاً با نمونه‌های آدمها یا با ساختارهای اجتماعی گسترده تر سروکار دارند نه با کنشگران واقعی جهانی که دانش همگون، تکرار شونده و مشترک دارد (همان، ص ۳۳۹). جهان حیاتی از نظر شوتس، چارچوب فرهنگی و از پیش تعیین شده زندگی اجتماعی و تأثیرگذار بر افکار و کنشهای کنشگران است. او از همه بیشتر به الگوهای اعتقادی و کرداری که فرهنگ به آنها تجویز می‌کند و از طریق اجتماعی انتقال می‌یابند و از نظر زمانی پیش از ما وجود داشته و بعد از ما نیز وجود خواهند داشت علاقه‌مند است. این چارچوبهای بیرونی، اعمال و رفتار کنشگران و راه

حلهای مسائل و تفسیرهای آنها، جهان اجتماعی و نظایر آن را مقید می‌سازند و تعیین می‌کنند. این چارچوب به گونه‌ای حاضر و آماده در اختیار فرد قرار می‌گیرد و وی در موقعیتهای بحث انگیز، امکان مناسبی برای رفتار در اختیار دارد.

بنابر تحلیل شوتس در بحث از الگوهای فرهنگی کنشگران و بسیجیان، ما با چارچوبهای فرهنگی از پیش تعیین شده زندگی اجتماعی سروکار داریم.

بسیج و بسیجیان نمونه‌هایی هستند که نسخه‌های کنشی دارند و ما با جایگاه و نقشهای آنان سروکار داریم و در تحلیل ما بسیجی نوعی مورد نظر است؛ چیزی که شوتس آن را انسانواره (افرادی که نسخه‌های تجویز شده را به اجرا در می‌آورند) نام گذاشته است. ما نه با کنشگران واقعی، بلکه با کنشگران نمونه‌ای سروکار داریم. آنجا که شوتس از ساخت علمی نمونه‌های آرمانی کنش اجتماعی بحث می‌کند، با بحث ما درباره ساخت الگوهای فرهنگی کنش بسیجیان مرتبط است.

۴. چارچوب نظری الگوهای رفتاری

هیچ یک از رویکردهای نظری الگوهای کاملاً ثابتی را که بر رفتار انسان مسلط باشند، بر نمی‌تابند. در جهان آینده نیز که برخی آن را عصر انقلاب اطلاعات و الکترونیک نامیده‌اند، اعضای بسیج برای رسیدن به اهداف، به الگوهای جدیدی نیاز دارند. بنابراین، بازنگری و بازسازی الگوها امری اجتناب ناپذیر است.

در اسلام از الگو به معنای سرمشق، سبک و سیره یاد شده است. دیدگاه کارکردگرایی؛ ساخت اجتماعی، فرهنگ، تقسیم کار و نهادهای اجتماعی را سرمنشأ الگو می‌داند. رویکرد کنش متقابل نمادین، شبکه در هم تنیده کنشها را مولد الگو تصور می‌کند. پدیدارشناسی شوتس، جهان حیاتی یا چارچوب فرهنگی از پیش تعیین شده زندگی اجتماعی و تأثیرگذار بر افکار و کنشهای کنشگران را به مثابه الگو گرفته است. از سوی دیگر، در ادبیات موضوع به کمک قرآن و نهج البلاغه و دیدگاههای بنیانگذاران بسیج، ویژگی‌های بسیج و بسیجیان از ابعاد مختلف روشن شد، به کمک تعاریف ارائه شده از ابعاد مختلف الگو و فرهنگ از نگاه تربیتی، روان‌شناختی و

جامعه‌شناختی و همچنین با استفاده از پیشینه تحقیق و مبانی نظری، مدل ذیل از انواع الگوها در میان اعضای بسیج ترسیم می‌شود. الگوها از دو دسته عوامل کلی؛ یعنی نظام اجتماعی و نظام شخصیتی تأثیر می‌پذیرند. در این مدل، بر اساس نظریه نظم چلبی فرد با اجزای ظرفیت، تعهد، هوش و هویت (خود) نظام شخصیتی را تشکیل داده و دین و مذهب، احتیاج و اقتصاد، فرهنگ و محیط اجتماعی و تاریخ و پیشینه با تمثیل از نظریه پارسونز به عنوان نظام اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. الگوها با توجه به این دو نظام، به چهار طبقه تقسیم شده‌اند.

الف) الگوی اجتماعی

- همگرایی و تفاهم در رفتار در درون خانواده؛ (سعیدی و کاشانی، ۱۳۸۵)
- کار و تلاش در جوانی و نوجوانی و کمک به توسعه جامعه؛ (فرهادی، ۱۳۷۹ ب)
- به خطر انداختن سلامتی و جان خود برای جامعه؛ (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۵۹)
- وحدت گرایی؛ (الهامی نیا و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۳۳)
- طرفداری از ارزشهای ناب اسلامی تبیین شده از سوی ولی فقیه؛ (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۲-۱)
- متعهد دانستن خود در خدمت به همه مردم ایران؛ (اسفندیاری، ۱۳۸۲، ص ۱)
- قانونگرایی در رفتار با دیگران؛ (فرهادی، ۱۳۷۹ ب)
- قناعت و مخالفت با پول پرستی؛ (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۵)
- حق مداری و عدالت خواهی در رفتار با مردم؛ (فرهادی، ۱۳۷۹ الف)
- تحمل سختی برای راحتی نسل آینده؛ (سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶-۱۵۵)
- عدم استفاده ابزاری از دیگر انسانها؛ (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۶۳)
- خوش رفتاری و همدردی با مردم، صرف نظر از دین و ظاهر آنان؛ (همان، ص ۱۰۳)
- کمک به نیازمندان و انفاق در راه خدا؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)
- مقابله با فساد اداری و هرج و مرج؛ (پرچی، ۱۳۸۲، ص ۳)
- کسب مهارت و تجربه؛ (محمدی، ۱۳۸۳)
- روابط خوب و صمیمانه با مردم؛ (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۳۰)

- مشارکت در سازندگی اقتصادی - عمرانی کشور؛ (خامنه‌ای، ۷۹/۲/۱۷، به نقل از: مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- دفاع از گسترش عدالت و مبارزه با فقر و تبعیض؛ (همو، ۸۰/۷/۲۵، به نقل از: همان و همکاران، ۱۳۸۱)
- داشتن آزاد منشی و عدالت خواهی و با انصاف بودن؛ (شاملو، ۱۳۸۲)
- داشتن تحرک و پویایی؛ (فرهادی، ۱۳۷۹ ب)
- حمایت از مظلومان؛ (انفال، آیه ۶۲)
- تحمل سختی برای عدم وابستگی؛ (پرچی، ۱۳۸۲)
- مصرف اجناس ایرانی؛ (همان)
- حراست از نمادها و جلوگیری از آتش زدن پرچم ایران؛ (همان)
- پاسداری از زبان فارسی؛ (همان)
- طرفداری از موسیقی اصیل ایرانی؛ (همان)
- عمده ندانستن هویت قومی؛ (همان)
- حضور بانوان در تمام عرصه های کشور؛ (محمدی، ۱۳۸۳)
- توجه به حل مشکلات مردم؛ (محدّثی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹)
- نفی خود کامگی و عدم منفعت جویی در برخورد با مردم؛ (همان، ص ۱۰۳)
- امانتدار مردم دانستن خود در حراست از جامعه؛ (همان، ص ۹۰)
- اساسی دانستن شادی و نشاط در درون خانواده؛ (یعقوبی، ۱۳۸۴)
- رفتار با دیگران بر اساس احترام متقابل؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- پرداختن مالیات و متعهد بودن در برابر دولت؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)
- داشتن شغل تولیدی و شرافتمندانه؛ (همان)
- عدم توسل مکرر به خشونت در فرو نشانیدن دعواها؛ (هاشم زهی و تاج الدین، ۱۳۸۷)
- آینده نگری و غایت اندیشی؛ (محدّثی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۹)
- الگو گرفتن از حضرت فاطمه الزهرا (س) از سوی زنان جامعه؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- باور به احیای هویت زنان در جامعه؛ (محدّثی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۰)

- نفی نگرش غربی در مورد زنان و تلاش برای جلوگیری از سست شدن بنیان خانواده؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- اعتماد به نفس؛ (باصری، ۱۳۸۶، ص ۶۰-۴۱)
- متعهد و مسئول بودن در مورد وظایف و مسائل زندگی؛ (محلثی، ۱۳۸۱، ص ۹۰)
- حرکت بر اساس قواعد علمی؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ (همان)
- داشتن گروه مرجع مناسب در زندگی؛ (همان)
- استفاده مناسب از توانمندی‌های خود؛ (همان)
- خودشناسی در ارتباط با شغل و تحصیل؛ (همان)
- داشتن استقلال در زندگی و اندیشه؛ (همان)
- عدم احساس افسردگی و غمگینی؛ (همان)
- کسب لذت از فعالیتهای روزمره؛ (همان)
- امیدواری نسبت به آینده؛ (همان)
- عدم خسارت به محیط زیست و پاکسازی آن؛ (همان)
- تلاش در جهت تصحیح قوانین مربوط به زنان؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- ثبات زندگی خانوادگی؛ (هاشم زهی و تاج الدین، ۱۳۸۷)
- ترک نکردن خانواده؛ (همان)
- انباشت مشروع ثروت و پس انداز؛ (همان)
- عدم تنبیه بدنی کودکان و زنان؛ (همان)
- داشتن علایق اجتماعی؛ (شاملو، ۱۳۸۲)
- داشتن روابط مناسب بین فردی و اجتماعی؛ (همان)
- مقاومت در برابر هم‌رنگ جماعت شدن و مستحیل نشدن در مقررات و آداب و رسوم؛ (همان)
- مشارکت و سرمایه‌گذاری در عرصه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات. (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)

ب) الگوی فرهنگی

- کمک به پیاده کرده احکام اسلام؛ (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۵)
- دفاع از اسلام؛ (اسفندیاری، ۱۳۸۲، ص ۱-۲)
- التزام به ولایت فقیه؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)
- امیدوار بودن فقط به رجای خداوند؛ (همان)
- اعتقاد به پلیدی شیطان؛ (همان)
- تلاش برای خود شکوفایی و خلاقیت؛ (شاملو، ۱۳۸۲)
- نیایش و تضرع؛ (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴)
- جهاد با نفس؛ (همان، ص ۶۹)
- ایمان به خدا؛ (انفال، آیه ۶۲)
- توکل و تقرب به درگاه خداوند؛ (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۵)
- شرکت در نماز جمعه و جماعات؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)
- تلاوت قرآن؛ (همان)
- برپایی نمازهای یومیه؛ (همان)
- روزه گرفتن در ماه رمضان؛ (همان)
- احساس خوشایند در خیر رساندن به دیگران؛ (همان)
- ارزش قائل شدن برای بصیرت، آگاهی و یادگیری؛ (باصری، ۱۳۸۶)
- اعتماد به نفس؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)
- اعتقاد به غیبت امام زمان؛ (همان)
- اعتقاد و التزام به اصول و فروع دین؛ (همان)
- مهرورزی با مردم، صرف نظر از دین و ظاهر آنان؛ (الهامی نیا و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰)
- سادگی و طبیعی بودن رفتار؛ (شاملو، ۱۳۸۲)
- اخلاص و نیت صاف؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)
- رعایت حجاب از سوی زنان؛ (همان)

- نترسیدن از مرگ؛ (همان)
- دروغ نگفتن در هر شرایطی؛ (الهامی نیا و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۷۲)
- مخالفت با بی تفاوتی و تأکید بر آگاهی از امور و حوادث؛ (مرندی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷)
- پیروی از معصومین و تقلید از مراجع در دستورات دینی؛ (همان)
- مغرور نشدن هنگام پیروزی و شکوه نکردن هنگام شکست؛ (محلّتی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۲)
- اعتقاد به فرشتگان؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)
- خوف داشتن فقط از خدا؛ (همان)
- شرکت در مراسم مولودی خوانی و عزاداری در اماکن؛ (همان)
- حضور قلب در نماز؛ (همان)
- توبه؛ (همان)
- استفاده از غذای پاک؛ (همان)
- استفاده نکردن از مشروبات الکلی؛ (همان)
- عدم تقلید کورکورانه از مسائل سیاسی و اجتماعی؛ (باصری، ۱۳۸۶)
- خوش زبان و خوش کلام بودن؛ (الهامی نیا و دیگران، ۱۳۸۵)
- دوری از تهمت به دیگران؛ (نور، آیه ۵)
- مورد اعتماد بودن برای همسایگان؛ (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۷)
- دوری از غیبت دیگران؛ (سادات، ۱۳۶۸، ص ۲۱۹)
- داشتن باطن زیبا و هماهنگی حرف و عمل؛ (صفایی، ۱۳۷۸، ص ۵۰)
- فراموش نکردن خوبی های دیگران؛ (سادات، ۱۳۶۸، ص ۲۳۲)
- تحصیلات عالی؛ (هاشم زهی و تاج الدین، ۱۳۸۷)
- توجه به سلامتی جسم؛ (همان)
- تقویت مهارت های تحصیلی؛ (باصری، ۱۳۸۷)
- علاقه مندی به مطالعه منابع علمی؛ (همان)
- مطالعه در اوقات فراغت؛ (همان)

- استفاده از دستاوردهای علمی؛ (همان)
- مصرف نکردن مواد مخدر و دخانیات؛ (رویدادهای فرهنگی و اخبار زنان، ۱۳۸۲)
- آشنایی مناسب و به موقع با زندگی جنسی؛ (هاشم زهی و تاج الدین، ۱۳۸۷)
- درک صحیح از واقعیتها؛ (شاملو، ۱۳۸۲)
- پذیرش خود، دیگران و طبیعت؛ (همان)
- گرایش به خلوت کردن با خود؛ (همان)
- تعهد در سالم سازی فضای فرهنگی جامعه و دفاع فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی (خامنه‌ای، ۷۹/۱۱/۲۵ به نقل از مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- پرچمداری در دفاع از ارزشها؛ (همو، ۸۰/۸/۲۱ به نقل از همان)
- شجاعت و شهامت؛ (نهج البلاغه، به نقل از لاریجانی، ۱۳۷۸)
- توجه به احساسات و عواطف زنانه در جامعه؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- تلاش در جهت تصحیح دیدگاه عمومی نسبت به مسائل زنان؛ (همان)
- دست نینداختن دیگران؛ (سعیدی و کاشانی، ۱۳۸۵، ص ۴۴۵-۴۴۰)
- تقلید نکردن از لباس هنرپیشه های خارجی؛ (همان)
- شرکت نکردن در پارتی های دوستانه جوانان؛ (همان)
- بیرون نینداختن مواز مقتعه برای زنان و دختران؛ (همان)
- نداشتن ارتباط دوستانه با جنس مخالف بدون حکم شرع؛ (همان)
- تماشا نکردن فیلمهای غیر مجاز؛ (همان)
- گوش نکردن به موسیقی غیر مجاز؛ (همان)
- شوخی نکردن در انظار عمومی؛ (همان)
- نپوشیدن لباس مدل دار و تنگ؛ (همان)
- پاسور بازی نکردن؛ (همان)
- لاک نزدن ناخن و بلند نکردن آن برای خانمها در خارج از محیط خانه؛ (همان)
- آرایش نکردن در خارج از منزل برای زنان؛ (همان)

- بالا نزدن آستین یا شلوار برای دختران در خیابان؛ (همان)
- دست ندادن دختران با مردان نامحرم؛ (همان)
- ابرو برنداشتن پسران؛ (همان)
- رسیدن به نوعی تمرکز و جذبۀ درونی و نگرستن به فراسوی موضوعات مبتذل و حتی معمولی زندگی؛ (شاملو، ۱۳۸۲)
- تشخیص هدف و وسیله؛ (همان)
- نفی و مبارزه با هرگونه نگرش فمینیستی و همچنین جنس ستیزی در مسائل زنان؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)

- توسعه علمی و سازندگی علمی؛ (همان)
- اطلاع رسانی و آگاهی بخشی اجتماعی، علمی - فرهنگی به مردم؛ (همان)
- ساده زیستی و دوری از اسراف و تجملات؛ (همان)
- تبیین چارچوب اسلام ناب؛ (اسفندیاری، ۱۳۸۲، ص ۱)
- اهمیت کم به ارزشهای ایزاری؛ (سعیدی و کاشانی، ۱۳۸۵)
- داشتن روش نصیحت و راهنمایی کلامی. (همان)

ج) الگوی دفاعی

- آمادگی حضور در عرصه امنیتی شهرها و مقابله با تهدیدها؛ (خامنه‌ای، ۷۹/۲/۱۷، به نقل از مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- آمادگی حضور در عرصه اطلاعاتی؛ (همان)
- آمادگی حضور در عرصه‌های امنیت مرزها؛ (همان)
- تبعیت کامل از ولی فقیه و مقابله با هر حوزه خطر آفرین برای جمهوری اسلامی؛ (مرندی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷)
- انقلابی گری و مهم دانستن پاسداری از اسلامیت و جمهوریت نظام؛ (همان)
- پشتیبانی از سایر نیروهای مسلح؛ (نهج البلاغه، ص ۵۳۳)

- سلب آرامش دشمن؛ (نهج البلاغه، به نقل از لاریجانی، ۱۳۷۸)
- آمادگی برای مقابله با ناامنی های ملی؛ (سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶-۱۵۵)
- استقامت و پایداری؛ (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۷۷)
- حفظ استقلال ملی و نفی سلطه بیگانه؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- آمادگی حضور در عرصه دفاعی خارجی؛ (همان)
- داشتن سعه صدر در برابر منتقدان و شدت عمل در برابر تعدی قهر آمیز دیگران به ارکان. (الهامی نیا و دیگران، ۱۳۸۵)

د) الگوی سیاسی

- مبارزه با ظلم و استکبار؛ (انفال، آیه ۶۲)
- تلاش در جهت حاکمیت دینی، مردم سالاری دینی و حضور مردم در صحنه؛ (خامنه‌ای، ۷۱/۶/۸، نقل از مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- شناخت تهاجم فرهنگی؛ (باصری، ۱۳۸۶، ص ۶۰-۴۱)
- پیشه کردن بی طرفی در تبلیغات انتخاباتی در ایران؛ (سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۳)
- شرکت نکردن در جلسات جریان‌ات رسمی و غیر رسمی سیاسی؛ (همان)
- گوش ندادن به رادیوهای بیگانه؛ (پرجمی، ۱۳۷۲)
- تلفیق کردن سیاست و دیانت در رفتار؛ (امام خمینی، ج ۳، ۱۳۵۸، ص ۲۲۰)
- جانبداری از رأی اکثریت؛ (همان، ج ۴، ص ۵۰۲، به نقل از هاشم زهی، ۱۳۸۶)
- اعتقاد به آزادی در چارچوب احکام اسلام؛ (همان، ج ۱)
- اعتقاد به استقلال کشور بر اساس تصمیم مردم؛ (همان)
- نرفتن زیر بار ظلم؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶)
- شناخت تفاوت‌های حکومت دینی از غیر دینی؛ (باصری، ۱۳۸۶)
- ارتقای بینش و آگاهی سیاسی؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- شناخت جهت گیری سیاسی جامعه؛ (باصری، ۱۳۸۶)
- اعتقاد به کارآمدی اسلام برای رسیدن به اهداف و اداره جامعه و جهان؛ (زاهدزاهدانی، ۱۳۸۶)

- تأکید بر آزادی و استقلال؛ (محلّتی، ۱۳۸۱، ص ۵۵)
- شناخت فلسفه حکومت دینی؛ (باصری، ۱۳۸۶)
- شناخت مسائل روز؛ (همان)
- شناخت تحولات کشور؛ (همان)
- تلاش در جهت حفظ قانون اساسی؛ (مصباح و همکاران، ۱۳۸۱)
- حضور در انتخابات عمومی؛ (همان)
- نگرش اصلاحی داشتن به امور (همان)
- طرفداری از صلح عادلانه جهانی. (سعیدی و کاشانی، ۱۳۸۵)

خلاصه و نتیجه گیری

بسیج گرچه یک سازمان اجتماعی پویا و دارای شرایط خاص است، اما پویایی آن به ساختار جامعه بزرگ تر وابسته می باشد. تنوع و تعدد در اهداف، مأموریتها، وظایف و نقش آفرینی بسیج میان آن سازمان و جامعه ایرانی همگنی برقرار کرده است؛ به طوری که بسیج نمونه‌ای از کل جامعه ایران است که هر الگو و خصلت آن نمی تواند با معدل کل نظام اجتماعی تفاوت معناداری داشته باشد. بنابراین، هنگام طراحی الگو برای اعضای بسیج، طراحی الگو برای کل مردم ایران مد نظر قرار می گیرد. الگوهای مطلوب و آرمانی برای جامعه ایرانی یا هر قشری از آن مستلزم استخراج ویژگی‌های انسان پرورش یافته و شکوفا مطابق با شرایط زمان و مکان است. آنچه در این مقاله آمده، چکیده‌ای از ویژگی‌های مطلوب یک ایرانی مسلمان است که از متون مختلف با رویکردهای جامعه شناختی، مذهبی و ملی تدوین شده است. ضرورت دارد الگوهای پیشنهاد شده در این مقاله به کمک متخصصان حوزه های مختلف انسانی و دینی، تکمیل و تجدیدنظر شود. گرچه تفاوت میان الگوهای موجود و مطلوب در شرایط کنونی جامعه ایران روشن است، اما تعیین فاصله ویژگی‌ها و الگوهای مطلوب و آرمانی پیشنهاد شده با ویژگی‌ها و الگوهای موجود جامعه یا بسیجیان. نیازمند مطالعات تکمیلی دیگری است که ضرورت آن مورد تأکید قرار دارد.

در شرایط موجود، الگوهای جامعه و بسیجیان را موانعی تهدید می کند که برای تقلیل اثرات این موانع، راههای ذیل پیشنهاد می شود:

الف) شناخت ریشه های موانع؛

ب) تصحیح نظر افراد جامعه نسبت به دنیا و تمتعات دنیوی و مظاهر آن؛

ج) کنترل و مراقبت از افراد بسیجی؛ بر اساس تعالیم نهج البلاغه هرگز نباید از نظارت و کنترل افراد کار گزار غافل شد. امیر مؤمنان علی (ع) برای مراقبت از عاملان خود در گوشه و کنار، مأموران اطلاعاتی و امنیتی گمارده بود تا اخبار مربوط به کار گزاران را به وی برسانند.

د) حرکت در جهت تحقق اهداف اساسی انقلاب اسلامی و اعتماد به مردم و احترام به خواسته های آنان.

برخی از عوامل و دلایلی که به عنوان موانع رشد الگوهای مطلوب در جامعه و بسیج محسوب می شوند نیز عبارتند از:

- امتیاز خواهی و پر توقعی؛
- حاکم شدن روحیه یأس و ناامیدی در بین جوانان و نوجوانان؛
- استحاله فرهنگی؛
- کینه های شخصی، نفاق، فساد و بی انضباطی و خونسردی؛
- از دست دادن اخلاص و بروز شائبه هایی از ریا؛
- احساس پایان یافتن کار و رسیدن به اهداف مطلوب؛
- ملاحظات خویشاوندی و دوستی، قوم گرایی و حاکمیت روابط بر ضوابط؛
- خودستایی و غرور، خود رأیی و استبداد؛
- انحصار طلبی و اصرار بر اداره امور به شیوه مدیریت متمرکز و پرهیز از واگذاری مسئولیتها به دیگران؛
- تنگ نظری و عدم تحمل دیگران؛
- حسن نظر و اعتماد بیجا نسبت به عمال و کار گزاران خود؛

- وجود افراد متملق، چاپلوس، دروغگو و جلوگیری از ابراز عقاید و انتقادهای مصلحان صاحب اندیشه؛
- بروز اختلافات مذموم در میان افراد بسیجی؛
- کتمان حقایق دینی به هنگام تبلیغ دین به منظور ملاحظات سیاسی و احتیاط کاری‌ها؛
- جناح بندی‌های سیاسی مختلف در جامعه و در پی آن، وجود اراده‌های قابل توجه برای استفاده‌ی ابزاری از بسیج و قرار گرفتن در خدمت یک جریان و جناح سیاسی خاص؛
- تقلیل اهداف نظام به اهداف فردی از سوی افراد بسیج و قرائتهای خاص از دین و تعمیم پیامدهای آن به بسیج؛
- پیدایش دیوار بی اعتمادی بین دولت و ملت و ایجاد شرایط تفکیک منافع؛
- عدم توفیق قابل توجه بسیج در تحقق اهداف و پیدایش شرایط آنومی ناشی از ناکامی که به هنجارگریزی بسیج و عدم استقبال مردم از بسیج می‌انجامد؛
- ضعف هدف گذاری پویا و متناسب با شرایط محیطی؛
- دشمن ستیزی موهوم در درون مرزهای جغرافیایی؛
- یکنواختی پارادایم حاکم بر بسیج و عدم تغییر راهبردها، علی‌رغم تغییر شرایط جنگی به شرایط سازندگی و صلح؛
- ضعف انگیزه‌های درونی برای خدمت در بسیج و پیشی گرفتن معنویت‌عاری از منطق و مادیت برخی از اعضا؛
- عدم مقبولیت مشی و مواضع سیاسی بسیج و فقدان عرصه‌های کارکردی مناسب برای آن.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- اسفندیاری، خلیل (۱۳۸۲)؛ بسیج میراث‌دار اسلام ناب محمدی است، قم، انتشارات رسالت.
- الهامی نیا، علی اصغر و دیگران (۱۳۸۵)؛ درس‌هایی از سیره محمد پیامبر اعظم (ص)، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- اکبری، محمد رضا (۱۳۷۷)؛ سیمای بسیجی، بی‌جا، پیام عترت، بی‌جا، بی‌نا.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۸)؛ صحیفه نور، بی‌جا، بی‌نا.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۵۸/۴/۳۰)؛ «سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده بابل» بی‌جا، بی‌نا.
- باصری، احمد (۱۳۸۶)؛ بررسی نیازهای فرهنگی بسیج و اولویت بندی آنها، تهران، مرکز مطالعات ارتش بیست میلیون.
- مجلسی، سید محمد باقر؛ بحارالانوار.
- پرچی، داود (۱۳۷۲)؛ بررسی گرایش مردم به پایگاههای بسیج مساجد، تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷)؛ روزنامه قدس، سوم آذرماه.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱)؛ «تجدد حقیقی، تجدد بیمار»، روزنامه خراسان.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)؛ ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه، تهران، دریا.
- روزنامه قدس، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸.
- ریترز، جرج (۱۳۷۴)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۶)؛ «دین‌گرایی و یادین‌گریزی جوانان»، مجموعه مقالات جامعه‌شناسی دینداری جوانان و نوجوانان، تهران، مرکز تحقیقات اجتماعی کندوکاو و پژوهشکده باقرالعلوم، (منتشر نشده).

- سادات، محمدعلی (۱۳۶۸)؛ اخلاق اسلامی، تهران، سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۳)؛ روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (۱۳۸۳)؛ بسیجی و فرهنگ بسیجی از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، انتشارات دفاع.
- سعیدی، رحمان و کاشانی، مجید (۱۳۸۵)؛ بررسی علل بی تفاوتی دانش آموزان نسبت به ارزشهای دینی، تهران، مرکز مطالعات ارتش بیست میلیونی.
- شارون، جوئل (۱۳۸۰)؛ ۵۵ پرسش در جامعه شناسی، ترجمه صبور، تهران، نی.
- شاملو، سعید (۱۳۸۲)؛ مکتبها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، تهران، رشد.
- صفایی، غلامحسین (۱۳۷۸)؛ مؤمن کیست؟، قم، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان.
- طوسی، (۱۳۷۶)؛ التهذیب الاحکام، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- فرهادی، محمد (۱۳۷۹ الف)؛ بررسی تحلیل بسیج از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، سازمان تحقیقات خودکفایی نیروی مقاومت بسیج، مرکز مطالعات ارتش بیست میلیونی.
- فرهادی، محمد (۱۳۷۹ ب)؛ بررسی تحلیل بسیج از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تحقیقات خودکفایی نیروی مقاومت بسیج، مرکز مطالعات ارتش بیست میلیونی.
- فی، برایان (۱۳۸۴)؛ فلسفه امروزی علوم اجتماعی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)؛ جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشر نی.
- لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۸)؛ تفکر سیاسی و دفاعی در نهج البلاغه، (بی جا) مرکز نشر فرهنگی آیه.
- محدثی، جواد (۱۳۸۱)؛ پیامهای عاشورا، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- محدثی، جواد (۱۳۷۴)؛ فرهنگ عاشورا، قم، معروف.
- محمدی، کیوان (۱۳۸۳)؛ آنجا که اعداد تاب نمی آورند: بسیج از نظر آمار، (بی جا)، انتشارات جوان.

- مرندي، مهدي (۱۳۸۲)؛ بسیج در اندیشه امام خمینی، تهران، عروج.
- مصباح، حسین و همکاران (۱۳۸۱)؛ بررسی توقعات و انتظارات مردم و بسیجیان از بسیج، سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج.
- مینایی، بهزاد (۱۳۷۷)؛ «بسیج تفکری نوین در انقلاب اسلامی»، نشریه اسلام.
- نبوی، عبدالامیر (۱۳۸۲)؛ «الگوسازی در دوران جنگ»، فصلنامه نگین ایران، سال دوم، ش ۵ (تابستان).
- هاشم زهی، نوروز (۱۳۸۶)؛ شرایط اجتماعی و پارادایم های روشنفکری در آستانه دو انقلاب ایران: انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات عروج.
- هاشم زهی، نوروز و تاج الدین، محمدباقر (۱۳۸۷)؛ جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، دانشگاه آزاد تهران شرق، (در دست انتشار).
- یعقوبی، داریوش (۱۳۸۴)؛ بررسی و طراحی الگوهای شادی، نشاط و هیجان در بسیج، تهران، مرکز مطالعات ارتش بیست میلیون.
- «رویدادهای فرهنگی و اخبار زنان» (۱۳۸۲)، حوزه یاس، آذر ۱۳۸۲، ش ۹ (آذر)، نقل از: موتور جستجوی Google.